

تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری بی‌خانمانی در مجموعه شهری تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۸/۰۹/۰۴

ابوالفضل مشکینی* (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)
الهه شاکری منصور (دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)
سید علی علوی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

چکیده

بی‌خانمانی الگویی از سکونت است که از استانداردهای اساسی مسکن جامعه پیروی نمی‌کند. این نوع از سکونت تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله عوامل فردی و ساختاری شکل می‌گیرد که هدف از این پژوهش شناسایی عوامل ساختاری مؤثر در شکل‌گیری بی‌خانمانی در مجموعه شهری تهران می‌باشد. عوامل ساختاری با استفاده از رویکرد حق به شهر به سه عامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم‌شده و میزان تأثیر هر یک از این عوامل نیز در شکل‌گیری بی‌خانمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش پژوهش توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از شیوه‌های تحلیل کیفی و کمی و با بهره‌جستن از روش مطالعات اسنادی، مصاحبه و پرسشگری از ۲۰ استاد متخصص در رابطه با مسکن به شناسایی این عوامل پرداخته شده و سپس با استفاده از روش‌های SWARA Fuzzy و Fuzzy ARAS به وزن‌دهی و در نهایت به اولویت‌بندی هر یک از آن‌ها اقدام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل سیاسی با (۱)، اقتصادی با (۰/۹۵۵۹) و اجتماعی با (۰/۸۷۱۸) به ترتیب مهمترین دلایل شکل‌گیری بی‌خانمانی بوده و همچنین در بین معیارهای تعیین‌شده، معیارهای سیاست‌های تخصیص زمین و مسکن، کالایی شدن زمین و شیوه تخصیص مسکن و سیاست‌های نوین شهری بالاترین تأثیر را در شکل‌گیری بی‌خانمانی در مجموعه شهری تهران داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: بی‌خانمانی، عوامل ساختاری، Fuzzy SWARA، Fuzzy ARAS، مجموعه شهری تهران.

مقدمه

بی‌خانمانی به‌عنوان یک پدیده جهانی مدت زمان طولانی است که جمعیت فقیرنشین کشورهای در حال توسعه و همچنین توسعه یافته را تحت تأثیر قرار داده است. در خصوص تعریف بی‌خانمانی نظرات متعددی بیان شده است (O'Flaherty, 2019). در کشورهای توسعه یافته، بی‌خانمانان در مکان‌های مشترک و موقت با تراکم جمعیتی بالا و از سطح پایینی از خدمات و مسکن باکیفیت بالا برخوردارند و در آینده‌ای نزدیک در معرض خطر بی‌خانمان شدن قرار دارند (Tipple and Speak, 2006: 58). در کشورهای در حال توسعه نیز تعریف رسمی و مشخصی از بی‌خانمانی و انواع آن وجود ندارد و بی‌خانمانان گروهی می‌باشند که فاقد محل اقامت دائمی بوده (Chamberlain and Mackenzi, 1992: 2001) و به دلیل عدم دسترسی به حداقل مسکن مناسب، در مسکنی باکیفیت بسیار پایین زندگی می‌کنند (Amore, 2013; Busch-Geertsema et al, 2016: 125). تعاریف از حداقل استاندارد مسکن در کشورهای مختلف متفاوت بوده و به همین دلیل بیان یک تعریف مشترک و عمومی از بی‌خانمانی بر مبنای حداقل استاندارد مسکن کار بسیار دشواری است (Springer, 2000). (Mackenzie, 2012).

امروزه ناهنجاری‌های اقتصادی، فرهنگی و کالبدی بسیاری در شهرهای مان مشاهده می‌گردد، شدت این مسئله در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرهایی نظیر تهران بیشتر است (لاله‌پور، ۱۳۹۸: ۱۸۴). بی‌خانمانی در شهرهای بزرگ به‌ویژه مناطق کلان‌شهری که امروزه مهم‌ترین مراکز توسعه ملی بوده و سهم قابل‌توجهی از سرمایه و جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند، ناشی از تفاوت‌های مبنایی و محتوایی در شکل‌گیری و چرایی و چگونگی این پدیده می‌باشد (داداش پور و میروکیل، ۱۳۹۴: ۴۸). دلیل تمرکز بر مجموعه شهری این است که بی‌خانمانی ابتدا در شهرهای اصلی شکل گرفته و سپس به مناطق حومه‌ای، پیرامونی و مناطق روستایی حرکت می‌کند (HUD, 2011) و انتخاب مجموعه شهری تهران به‌عنوان نمونه مورد بررسی از این واقعیت نشأت می‌گیرد. نقشه مجموعه شهری تهران نیز در حال حاضر بیشتر به دریایی از سکونتگاه‌های به هم متصل می‌ماند که همگی رو به‌سوی کلان‌شهر تهران را دارند. غالب آن‌ها در سال‌های پس از انقلاب شکل گرفته و هرگز از گسترش بازنیاستاده‌اند. این‌ها سکونتگاه‌ها خیل عظیمی از تهی‌دستان و کم‌درآمدهایی بوده که طی سالیان از شهر اصلی طردشده (مطالعات مجموعه شهری تهران، ۱۳۹۵: ۱۰۵) و سکونتگاه‌های اطراف را پدید آوردند، به‌گونه‌ای که بزرگ‌ترین شهرهای منطقه پس از تهران و کرج، یعنی اسلامشهر، قدس و

قرچک و مانند این‌ها حاشیه‌نشینی‌هایی بوده‌اند که به‌صورت غیررسمی شکل‌گرفته و بعدها به شهر تبدیل‌شده‌اند (سرور و پورطاهری، ۱۳۹۵: ۱۶۳).

جنگ تحمیلی، علاوه بر تأثیراتی که در ابعاد کلان بر کلیت کشور داشت (موحد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲) باعث توسعه سوداگرانه، دخالت بخش خصوصی و بی‌برنامگی در کلانشهر تهران گردید. تقاضا برای مسکن از عرضه آن پیشی گرفت و مازاد نیروی کار و سرمایه به شکوفایی صنعت ساختمان‌سازی در حومه‌های جدید انجامید و در نتیجه افزایش قیمت زمین و مسکن در شهر تهران را به همراه داشت (مشکینی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۸۸). مردم ناتوان از تأمین مسکن به‌ویژه در تهران و حتی در شهرهای حاشیه تهران، به سمت ایجاد سکونتگاه‌های جدید و متحول ساختن روستاهای پیرامون تهران سوق داده شدند. شاید مهم‌ترین سیاست تأثیرگذار در این دوره، سیاست فروش تراکم بود. این سیاست قیمت زمین را در کلان‌شهر تهران به‌شدت افزایش داد و مسکن برای گروه‌های بیشتری از مردم غیرقابل استطاعت شد (برادران و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۳).

در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶ نیز قیمت مسکن در تهران به‌شدت افزایش می‌یابد در چنین شرایطی نیز تهی‌دستان کلان‌شهر تهران هر چه بیشتر ناچار می‌شوند حاشیه‌ها را برای اسکان برگزینند (زنجانی، ۱۳۸۶: ۴۲). این فرآیند به پرولتاریایی شدن طبقه متوسط، گسترش مشاغل غیررسمی، گسترش بیش‌بیش سرمایه‌ای شدن مستغلات و همچنین صنعت زدایی انجامیده و نتیجه این فرآیند نیز گسترش بیشتر بی‌خانمانی بوده است. در دهه‌های ۸۰ تا ۹۰ روند تغییرات سکونتگاه‌های مجموعه شهری به‌گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. نرخ رشد در سکونتگاه اصلی یعنی تهران کاهش‌یافته و نرخ رشد در سایر سکونتگاه‌های جدید حتی کرج شکل‌گرفته و سکونتگاه‌های کوچک حاشیه‌ای افزایش فوق‌العاده‌ای را نشان می‌دهد که ناشی از شکل‌گیری شهرهای جدید و مکان‌گزینی اشتغال صنعتی و خدمات برتر در خارج از محدوده شهر تهران بوده است. سکونت در این سکونتگاه‌ها که تحت عنوان بی‌خانمانی تلقی می‌شود در مجموعه شهری تهران و انتقال سریع آن به مناطق شهری و روستایی پیرامون در سال‌های اخیر ناشی از عواملی بوده که در مطالعات به آن توجه نشده است. در این پژوهش مفهوم بی‌خانمانی در مرز باریک‌بین بی‌خانمانی مطلق و سکونتگاه‌های نامناسب (بی‌خانمانی نسبی) جای می‌گیرد (شکل ۱).



شکل (۱): پیوستار وضعیت سکونت و حوزه مطالعاتی پژوهش (منبع: نگارندگان)

مبانی نظری

در اوایل دهه ۱۹۸۰ بی خانمانی به عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح شد. در آن زمان دو تفسیر متضاد از بی خانمانی رایج بود که گروهی از دیدگاه‌ها بر عوامل فردی و گروهی دیگر بر عوامل ساختاری مانند مسکن و بازار کار تأکید داشته‌اند. امروزه جوامع علمی نیز عوامل مؤثر بر بی خانمانی را به دو دسته عوامل فردی و ساختاری تقسیم نموده‌اند (Burt et al, 2001) (Petrenchik, 2006:12). از منظر دیدگاه ساختاری، بی خانمانی محصولی از دو دسته عوامل اصلی می‌باشد که شامل:

۱-۱ مسکن و بازار کار (O'Flaherty, 2004; Wong & Piliavin, 1997, O'Donnell,) (2019): افزایش شدید قیمت مسکن و هزینه‌های اجاره همراه با کاهش دستمزدها و کمبود شدید مسکن قابل استطاعت نقش مهمی در ظهور مسئله بی خانمانی دارد.

۲-۱ سیاست‌های اجتماعی: محققان و تحلیلگران سیاسی، سیاست‌های مرتبط با فقر و بی خانمانی، کاهش برنامه‌های تأمین اجتماعی و فقدان ابتکار دولت را از عوامل مهم ساختاری در ایجاد و حفظ مسئله بی خانمانی مطرح نموده‌اند. خانواده‌های تحت حمایت برنامه‌های تأمین اجتماعی با کاهش برنامه‌های تأمین اجتماعی با مشکلاتی از قبیل کمبود سرپناه، غذا، مراقبت‌های پزشکی مواجه خواهند شد. در این خانواده‌ها حتی کوچک‌ترین میزان کاهش در کمک‌های عمومی، آن‌ها را یک گام به بی خانمان شدن نزدیک‌تر می‌کند (Fremstad, 2004). تحلیل‌های ساختاری می‌تواند در کاهش بی خانمانی مؤثر واقع شود؛ اما مشکل اصلی رویکرد ساختاری این است که با تمرکز بر ساختارهای (ماکرو) از ساختارهای (میکرو) که توانایی افراد (توانایی‌های فردی در عمل، واکنش و تعامل با محیط اطراف، تصمیم‌گیری‌های آگاهانه، ریسک‌پذیری و نتیجه‌گیری‌ها) را شامل می‌شود، چشم‌پوشی می‌کند (Ravenhili, 2008: 30). در حالی که رویکرد دیگری همچون رئالیسم انتقادی بی خانمانی را ناشی از علتی واحد نمی‌داند بلکه مجموعه‌ای از عوامل (ماکرو و یا میکرو) را در شکل‌گیری بی خانمانی مؤثر می‌داند.

رنالیسم انتقادی علل ساختاری را در شکل‌گیری بی‌خانمانی، بنیادی‌تر از ویژگی‌های فردی می‌داند. بر اساس چارچوب دیدگاه رنالیسم انتقادی، دکتر فیتزپتریک (Fitzpatrick, 2006) (2012) عوامل مؤثر در شکل‌گیری بی‌خانمانی را در دو مرحله (سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۲) موردبازنگری قرار داده که به سه سطح تقسیم شده است:

۱- ساختار اقتصادی و مسکن (سطح ماکرو): عرضه نامناسب مسکن و عوامل ساختاری همچون فقر پایدار، بازار کار غیررسمی، اعتیاد به مواد مخدر نیز به‌عنوان نمونه‌ای روشن از علل فردی است که به‌شدت تحت تأثیر علل ساختاری همچون فقر، محرومیت اجتماعی و متمرکز) می‌باشد (Buchanan, 2004).

۲- ساختارهای بین فردی (سطح میانی): مشکلات روانی که معمولاً به ماهیت فردی آن اشاره می‌شود، در حقیقت بین فردی (تجربه‌ای از خشونت‌های خانوادگی و مراقبت‌های مقامات محلی) می‌باشد که مشمول هیچ سازمانی جهت حل مسائل بی‌خانمانی نمی‌شود.

۳- اعمال و ویژگی‌های فردی (سطح میکرو) (Fitzpatrick, 2012: 1598): موضوع اصلی رنالیست‌ها تعداد افراد فقیری که بی‌خانمان‌اند نمی‌باشد، بلکه این مسئله که چه چیزی در فقر است که منجر به بی‌خانمانی می‌شود، مهم است (Fitzpatrick, 2006: 14). در واقع پاسخی که رنالیست‌ها به این پرسش داده‌اند این است که بی‌خانمانی ناشی از عدم توانایی افراد فقیر در رقابت برای بازار مسکن است که تحت قیمت‌گذاری مکانیسم‌های یارانه‌ای است.

اصلاحات بازار در دهه‌های اخیر نقش مهمی در بازسازی بخش‌های مسکن شهری ایفا نموده و به‌طور فزاینده منجر به حاشیه رانده شدن یا حذف گروه‌های با درآمد پایین‌تر (به‌ویژه در شهرهایی که تحت تأثیر روند جهانی شدن قرار گرفته‌اند) شده است. تأثیر نئولیبرالیسم بر بازار مسکن و اصلاحات مبتنی بر بازار نه‌تنها منجر به بازسازی بازار مسکن نشده، بلکه خانواده‌های کم‌درآمد را در رسیدن به‌حق به مسکن در حق به شهر محروم می‌سازد (Kadi and Ronald, 2014). در برابر چنین گرایشی، نیاز به تحلیلی انتقادی که سازوکارهای نابرابر در شهرها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد به‌شدت احساس می‌گردد.

به باورهای علت اصلی بی‌خانمانی عدم حضور این اقشار و یا نمایندگان آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌سازی است. هر چقدر تصمیم‌گیری و تولید فضا به اتاق‌های جلسه و درهای بسته منتقل گردد، طبعاً گروه‌هایی که در این اتاق‌ها نماینده ندارند سهمی از ارزش‌افزوده تصمیمات اتخاذ شده نخواهند داشت (Harvey, 2008). به باور آرنشتاین هراندازه که سهم اقشار به حاشیه رانده شده جامعه در فرآیند تصمیم‌سازی بیشتر گردد، می‌توان انتظار پخشایش عادلانه‌تر خدمات و سرمایه‌های اجتماعی در سطح شهر را داشت. در واقع کنترل دموکراتیک

فرآیند تصمیم‌سازی ابزاری است که به این گروه‌ها فرصتی برای سهم‌پذیری در سود یک جامعه متمول را می‌دهد (Fairstein, 2006).

سؤال اصلی میچل با اشاره به تمایز میان سکونتگاه و سکنی‌گزیدن بر این است که حق به سکنی‌گزیدن در شهر، حق به تولید شهر؛ حق ساکنان شهری در تولید فضاها، ضرب آهنگ‌ها و روابط شهری به‌عنوان مؤلفه‌های مرکزی است؛ اما توانایی سکنی‌گزیدن به‌وسیله نگاه شهر همچون سکونتگاه یا تولید شهر توسط برنامه‌ریزان، توسعه‌گران، بانک‌ها، دلان مالی و زمین و منابع شرکت‌های بزرگ به محاق رفته است. (R. Ford, 2013: 305). میچل بیان نموده که مسئولان شهری تمایل به حذف گروه‌هایی مانند فقرای شهری و افراد بی‌خانمان دارند. او برای نمونه به کارتن‌خواب‌ها اشاره می‌کند که عموماً از سوی طبقه متوسط و بالای شهری به مثابه تخریب‌کنندگان فضای شهری قلمداد می‌شوند. میچل با مثالی از کارتن‌خواب‌های پارک‌های نیویورک به این مسئله اشاره می‌کند که این گروه‌ها از فضای شهری منع و محروم می‌شوند بدون اینکه فضای جایگزینی برای آن‌ها تعریف و در نظر گرفته شده باشد (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۲-۱۸۳). اگر از یک‌طرف حق به شهر به‌عنوان حقی جمعی برای مدیریت دموکراتیک منابع شهری به نظر می‌رسد، در عوض از سوی دیگر متعاقب با نظر میچل حق به شهر به‌عنوان حقی در برابر چنان مدیریتی ظاهر می‌گردد (Fairstein, 2010. کافوی، ۱۳۹۱).

سازوکار حاکم بر اقتصاد و منفعت‌طلبی‌های سوداگران موجب شده بیش از آنکه مسکن برطرف‌کننده نیازهای مصرفی طبیعی جامعه باشد، کارکرد سرمایه‌ای و تجاری پیدا کند. کژکاری بخش مسکن با خلق رانت‌های کلان جهت طبقات خاص از یک‌سو مانع از تأمین سرپناه برای بخش مهمی از مردم به‌ویژه بی‌خانمانان شده و از سوی دیگر انحراف تخصیص منابع و تحریف روند اقتصاد به سمت بخش‌های نامولد، زمین‌های کار و فعالیت آن‌ها را از بین خواهد برد. حق به شهر با توجه ویژه‌ای که به ساختارهای ماکرو و میکرو که در رویکردهای ساختاری و رئالیسم انتقادی مطرح شده داشته به شناسایی و نقش صاحبان قدرت در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌های نوین شهری، سیاست‌های مسکن، ساختار و ترکیب بازار مسکن و مشارکت بی‌خانمانان در تصمیم‌گیری‌ها اشاره نموده درحالی‌که در رویکردهای پیشین تقسیم‌بندی مشخصی از این عوامل صورت نگرفته است. این پژوهش، با الهام از رویکرد حق به شهر و تحلیل محتوا عوامل مؤثر بر بی‌خانمانی را به سه دسته ۱- عوامل سیاسی، ۲- عوامل اقتصادی و ۳- عوامل اجتماعی تقسیم‌بندی می‌نماید که در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱): عوامل مؤثر در شکل‌گیری بی‌خانمانی بر اساس مطالعات پیشین

عوامل ساختاری	معیار	تعاریف	پژوهشگران
سیاسی	نقش سیاست‌های جدید شهری	مفهومی کلی است که به بررسی توسعه سریع اقتصادی شهر، تغییر خط‌مشی سیاسی شهر، تحول در شیوه‌های حکمرانی و نهادهای منتسب به سیاست شهری می‌پردازد.	Mitchell (2003), Harvey (2008), Brenner (2016)
	نقش برنامه‌ریزی های متمرکز دولتی	لوفور برنامه‌ریزی را به‌مثابه بخشی از عمل سلطه‌گرانه‌ی قدرت و سیاست در فضا توصیف می‌کند. برنامه‌ریزی‌های متمرکز عقلانیتی است که دولت تحمیل می‌کند و باعث بروز مسائل و مشکلات عدیده‌ای چون پدیده اسکان غیررسمی و بد مسکنی و بی‌خانمانی در شهرها می‌گردد	Purcell (2002), Fremstad (2004), Marcuse (2010), Fainstein (2010), Reckford et al (2012), Brenner (2016)
	سیاست‌های تصرف و تخصیص زمین و مسکن	سیاست‌های زمین، مجموعه گسترده از فعالیت‌هایی است که به موجب آن دولت‌ها در جستجوی نفوذ در نوع کاربری، برنامه‌ریزی، مالکیت، قیمت و سود و فایده زمین، مخصوصاً در راستای فرآیند توسعه هستند (رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۱۰). شامل تسهیلات ساخت و خرید مسکن ملکی، پرداخت تسهیلات به سازندگان مسکن اجتماعی، ساخت مسکن استیجاری، پرداخت کمک اجاره و وام قرض‌الحسنه و دیعه مسکن، سیاست‌های واگذاری زمین، تأمین زمین و آماده‌سازی می‌باشد.	Fitzpatrick (2006), Fitzpatrick (2012), Reckford et al (2012), Fremstad (2004)
	نقش مسئولان شهری و طبقات ذی‌نفوذ در تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیرندگان و سطوح بالای اداری از جمله: متخصصان، قانون‌گذاران و کارمندان عالی‌رتبه (مشکینی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۹۱-۹۲) کسب منافع بیشتر و اعمال نفوذ از سوی آن‌ها در فرآیند تهیه، تصویب و اجرای طرح‌های شهری و تأثیرگذاری بیشتر عوامل فردی در تصمیم‌گیری‌ها و نفوذ هر چه بیشتر موضوع قدرت منجر به ناکارآمدی سیاست‌های شهری و محرومیت و حذف گروه‌های شهری همچون بی‌خانمان‌ها شده است.	Mitchell (2003), Marcuse (2010), Fainstein (2010)
	نقش سیاست‌های مسکن	سیاست مسکن عملکرد دولت برای اهداف مسکن را گویند. اساساً هر زمان که دولت به‌طور مستقیم در اهداف مسکن دخالت کند و یا هرگونه تلاش دولت در راستای ایجاد و یا نگهداری مسکن برای اقشار کم‌درآمد را گویند.	Ravenhill (2008), Dinning and Davics (2008), Reckford et al (2012)
اقتصادی	ساختار و ترکیب بازار مسکن	بخش عرضه (شامل قیمت زمین، قیمت مصالح ساختمانی، دستمزد کارگران ساختمانی، نرخ سود بانکی ساخت مسکن و غیره) و تقاضا (شامل درآمد سرانه، رشد حجم پول و تورم، شاخص بازار سهام، تسهیلات بانکی، نرخ سود بلندمدت، نرخ ارز و تورم عمومی و غیره) می	Early & Olsen (2002), Quigley & Raphael, (2002), Lee et al (2003), Byrne et al (2013), O'Flaherty (2004), Vogiazides (2012), Blomley (2014)

O'Donnell (2019)	باشد		
Mitchell (2003), Marcuse (2010), Brenner (2016)	بزرگ‌ترین سوداگران بخش مسکن بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری هستند که با وارد کردن پول‌های درشت در بازار مسکن تعداد خانه‌های خالی و احتکار شده را بالا می‌برند.	بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	
Mitchell (2003), Marcuse (2010), Brenner (2016)	پیمانکاران و مشاورین املاک و تعیین حق کمیسیون در معاملات مسکن منجر به افزایش قیمت می‌گردد.	دلالت زمین و بساز بفروش‌ها	
Manuel and Gibb (2014), Reckford et al (2012), Angel (2000)	مسکن و به‌طور کل زمین نمی‌تواند یک کالای خصوصی قابل‌رقابت باشد؛ چراکه هر زمین ویژگی منحصربه‌فرد و خاص خود را دارد و مالکیت خصوصی بر آن ایجاد انحصار می‌کند و منجر به محرومیت گروه‌های کم‌درآمد از آن خواهد شد.	کالایی شدن و شیوه تخصیص زمین و مسکن	
Petrenchik (2006), Fitzpatrick (2006), Ornelas et al (2014), O'Donnell (2019)	مسکن قابل استطاعت به رابطه بین هزینه تأمین مسکن و توانایی خانواده برای پرداخت هزینه آن گفته می‌شود. استطاعت‌پذیری مسکن با درصد درآمد اندازه‌گیری می‌شود (Tighe & Mueller, 2013:87). کمبود مسکن قابل استطاعت، به ناپایداری سکونتی خانواده کمک می‌کند و آن‌ها را به جابه‌جایی مکرر محل سکونت، زندگی در شرایط پرتراکم و یا بی‌خانمانی وا می‌دارد (مشکینی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۹۶).	تولید و کمبود مسکن قابل استطاعت	
Troutman et al. (1999), Quigley et al (2001), Early & Olsen (2002), Quigley & Raphael, (2002), Ravenhill (2008), Raphael (2010), Byrne et al (2013)	بسیاری از محققان نسبت بیکاری را مربوط به بی‌خانمانی دانسته‌اند و معتقدند که نسبت بیکاری (کوتاه‌مدت و بلندمدت) بر روی نسبت بی‌خانمانی اثرگذار است.	اشتغال	
Harvey (2008), Fainstein (2006), Purcell (2002), Fainstein (2010)	مشارکت پایین بی‌خانمانان در فرآیندهای تصمیم‌سازی علت اصلی بی‌خانمانی عدم حضور بی‌خانمانان و یا نمایندگان آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌سازی است. تصمیم‌گیری باید به نزدیک‌ترین سطح به سطح محلی و با مشارکت تمام کنشگران (سهام‌داران) و از پایین به بالا اتخاذ گردد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۹)	مشارکت پایین بی‌خانمانان در فرآیندهای تصمیم‌سازی	اجتماعی
Tucker (1987,1989), Quigley (1990), Appelbaum et al. (1991), Bohanon (1991) Burt (1992), Grimes & Chressanthis (1997), Lee et al. (2003)	افزایش جمعیت شهرنشین و افزایش ظرفیت عددی افراد و خانواده‌ها (به‌ویژه خانواده‌های گسترده که از نظر مکانی و شبکه روابط اجتماعی گسترده‌تر و پیچیده‌تر هستند) منجر به شکل‌گیری بی‌خانمانی می‌شوند.	ترکیب جمعیت	

Grimes & Chressanthis (1997), Lee et al. (2003), Byrne et al (2013)	رشد شهرها در سال‌های اخیر بیش از هر چیز متأثر از مهاجرت‌های روستا به شهری بوده است. این مهاجران اگر در شهرها مکانی برای سکونت پیدا نکنند گونه‌های مختلفی از سکونت از جمله الگوهای بی‌خانمانی، بی مسکنی و بدمسکنی را انتخاب می‌کنند.	عوامل مهاجرتی	
Lee et al. (2003), Petrenchik (2006), Fremstad (2004), Dinning and Davics (2008), Byrne et al (2013), Brenner (2016)	تبعیض اجتماعی و اقتصادی علیه اقلیت‌های نژادی باعث می‌شود که بی‌خانمانی در میان آن نژادهایی که از حقوق اولیه برخوردار نیستند، افزایش یابد.	عدالت اجتماعی (تبعیض‌های جنسی، نژادی و قومی)	

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۹

محدوده مورد مطالعه

مجموعه شهری تهران مهم‌ترین کانون جمعیتی و فعالیتی کشور محسوب می‌شود. این مجموعه شامل دو استان تهران و البرز بوده و سه پهنه عمده را در برمی‌گیرد که شامل: ۱. پهنه شمالی که کمتر از ۲٪ جمعیت مجموعه در آن سکونت دارند و به ارتفاعات البرز ختم می‌شود. ۲. پهنه دشت‌های دامنه‌ای که مکان اصلی استقرار جمعیت و فعالیت در سطح منطقه است و ۳۰٪ مساحت و حدود ۹۷٪ جمعیت استان را در برمی‌گیرد. ۳. پهنه اراضی شور و پست جنوبی که حدود ۲۰٪ کل استان را در بر گرفته و کمتر از یک درصد جمعیت استان را در خود جای داده است (خزاعی‌نژاد و قرخلو، ۱۳۹۱: ۵۰). جمعیت مجموعه شهری تهران بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ معادل ۱۵۹۸۰۰۳۷ نفر بوده که جمعیت نقاط شهری آن معادل ۱۴۹۶۴۹۶۷ نفر و جمعیت نقاط روستایی ۱۰۱۴۲۵۷ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). مجموعه شهری تهران شامل حوزه شهری تهران، کرج-شهریار، اسلامشهر-رباط کریم، ورامین، پاکدشت، هشتگرد، رودهن-پردیس و اشتهارد می‌باشد (حناچی، ۱۳۸۵: ۴۹-۵۱).

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی است. با توجه به اهداف تحقیق، در ابتدا عوامل مؤثر در شکل‌گیری بی‌خانمانی در سه گروه عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در قالب معیارهای ۱۵ گانه از مطالعات پیشین و با تأکید بر رویکرد حق به شهراستخراج شده است. این عوامل به صورت پرسشنامه تدوین و در اختیار ۲۰ نفر از خبرگان

(اساتید دانشگاه) قرار گرفته و با استفاده از تکنیک (Fuzzy SWARA^۱) امتیازدهی صورت گرفته و پس از آن با استفاده از مدل Fuzzy ARAS هر یک از این عوامل و معیارها اولویت‌بندی شدند. دلیل استفاده از روش Fuzzy SWARA ابتدا دیدگاه متفاوت این روش با دیگر روش‌های مشابه مانند ANP، AHP بوده، دوماً Fuzzy SWARA به تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران این شانس را می‌دهد که اولویت خود را بر اساس وضعیت کنونی بی‌خانمانی انتخاب کنند. سومین دلیل برای انتخاب این روش، آن است که با توجه به عدم وجود پژوهشی پیرامون بی‌خانمانی و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن در کشور، محققین با استناد به مطالعات خارجی به شناسایی عوامل پرداخته‌اند، لذا شناسایی عوامل بومی تنها می‌تواند از طریق ارجاع به خبرگان متخصص در حوزه بی‌خانمانی انجام گیرد.

۱-۴ روش تحلیل نسبت ارزیابی وزن‌دهی تدریجی فازی (Fuzzy SAWARA)

روش تحلیل نسبت ارزیابی وزن‌دهی تدریجی یکی از تکنیک‌های جدید و قدرتمند MCDM است که توسط کرسولین و همکاران در سال ۲۰۱۰ برای انتخاب روش تحلیل اختلاف معقول استفاده شده است (Kersulienė & Turskis, 2011, Kersulienė, Zavadskas, & Turskis, 2010). مزیت اصلی این روش در توانایی آن در ارزیابی ایده های متخصصان و برآورد نسبت اهمیت مناسب هر معیار می‌باشد (Zarbakshshnia et al, 2018). از معایب همه روش‌های MCDM نیز به دلیل اطلاعات غیرقابل ارزیابی، ناقص، غیرقابل دستیابی و ناآگاهی باعث عدم دقت در تصمیم‌گیری‌ها شده (Kiani Mavi et al, 2017: 2405) است. برای رفع این مشکلات از رویکرد فازی در مدل SWARA که توسط کیانی ماوی و همکاران در سال ۲۰۱۶ ارائه شده، استفاده می‌گردد.^۲

۲-۴ روش ارزیابی نسبت تجمعی فازی Fuzzy ARAS

روش آراس فازی (Fuzzy ARAS) از ترکیب روش آراس با منطق فازی است که توسط ترکسیس و زاوادسکاس در سال ۲۰۱۰ تعمیم‌یافته است. فازی آراس یکی از روش‌های MCDM است که به‌منظور رتبه‌بندی با استفاده از تابع بهینگی میزان کارایی نسبی گزینه‌ها را برحسب میزان تأثیرگذاری نسبی وزن معیارها مشخص می‌کند.

^۱ . Fuzzy Step-wise Weight Assessment Ratio Analysis

^۲ به دلیل محدودیت در صفحات مقاله، جهت مطالعه مراحل انجام تکنیک Fuzzy SAWARA به مقالات (Zarbakshshnia et al, 2018, Kiani Mavi et al, 2017) مراجعه نمایید.

جدول (۲): مقیاس فازی

مقیاس زبانی	اعدا فازی مثلثی
اهمیت یکسان	(۱، ۱، ۱)
نسبتاً کم‌اهمیت	(۳/۲، ۱، ۲/۳)
کم‌اهمیت‌تر	(۲/۳، ۱/۲، ۲/۵)
بسیار کم‌اهمیت‌تر	(۲/۵، ۱/۳، ۲/۷)
بسیار بسیار کم‌اهمیت‌تر	(۲/۷، ۱/۴، ۲/۹)
بسیار بسیار بسیار کم‌اهمیت‌تر	(۲/۹، ۱/۵، ۲/۱۱)

(منبع: Chang, 1996)

جدول (۳): مقیاس فازی ارزیابی گزینه‌ها

مقیاس زبانی	اعدا فازی مثلثی
خیلی خوب	(۱/۰، ۱/۰، ۰/۹)
خوب	(۱/۰، ۰/۹، ۰/۷)
نسبتاً خوب	(۰/۹، ۰/۷، ۰/۵)
متوسط	(۰/۷، ۰/۵، ۰/۳)
نسبتاً ضعیف	(۰/۵، ۰/۳، ۰/۱)
ضعیف	(۰/۳، ۰/۱، ۰، ۰)
خیلی ضعیف	(۰/۱، ۰/۰، ۰/۰)

همان‌گونه که اشاره شد برای شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بی‌خانمانی سه عامل و ۱۵ معیار با توجه به‌مرور پیشینه ادبیات این حوزه شناسایی گردید. به‌منظور ارزیابی و اولویت‌بندی معیارها، از ۲۰ نفر از اساتید دانشگاهی که از دانش فنی و تجربه اجرایی در حوزه مسکن بی‌خانمان‌ها و گروه‌های کم‌درآمد برخوردار بودند، انتخاب شدند. ابتدا از هر یک از خبرگان خواسته شد تا هریک از عوامل و معیارهای آن‌ها بر اساس میزان اهمیت رتبه‌بندی نمایند و در گام بعدی با استفاده از مراحل روش Fuzzy SWARA وزن هر یک از عوامل و معیارها بر اساس جداول شماره (۴، ۵، ۶، ۷) محاسبه گردیده است. در گام بعدی پس از آن که وزن نهایی هر یک عوامل و از معیارها تعیین گردید، با استفاده از مدل Fuzzy ARAS به اولویت‌بندی و رتبه‌بندی آن‌ها پرداخته شد.

جدول (۴): محاسبه وزن عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بی‌خانمانی

وزن $W_j = \frac{q_j}{\sum q_j}$			وزن باز محاسبه شده $q_j = \frac{X_{j-1}}{K_j}$			ضریب $K_j = S_j + 1$			اهمیت نسبی مقدار متوسط S_j			معیار
۰/۱۵۴۳۵	۰/۵۰۰۰	۰/۴۶۶۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱				سیاسی
۰/۳۸۸۲	۰/۳۳۳۳	۰/۲۸۰۰	۰/۵۹۹۹	۰/۶۶۶۷	۰/۷۱۴۳	۱/۶۶۷	۱/۵	۱/۴	۰/۶۶۷	۰/۵	۰/۴	اقتصادی
۰/۲۳۲۹	۰/۱۶۶۷	۰/۱۱۲۰	۰/۲۴۰۰	۰/۳۳۳۳	۰/۴۲۸۵	۲/۵	۲	۱/۶۶۷	۱/۵	۱	۰/۶۶۷	اجتماعی

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۹

جدول (۵): محاسبه وزن معیارهای سیاسی مؤثر بر شکل‌گیری بی‌خانمانی

وزن نهایی $W_j * W_j = \frac{q_j}{\sum q_j}$			وزن باز محاسبه شده $q_j = \frac{X_{j-1}}{K_j}$			ضریب $K_j = S_j + 1$			اهمیت نسبی مقدار متوسط S_j			معیار
۰/۲۸۸۱	۰/۲۲۵۰	۰/۱۸۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱				سیاست‌های تخصیص زمین و مسکن
۰/۱۷۲۸	۰/۱۱۲۵	۰/۰۷۲۶	۰/۴	۰/۵	۰/۵۹۹۹	۲/۵	۲	۱/۶۶۷	۱/۵	۱	۰/۶۶۷	سیاست‌های نوین شهری
۰/۱۲۳۴	۰/۰۷۵۰	۰/۰۴۳۵	۰/۲۴۰۰	۰/۳۳۳۳	۰/۴۲۸۵	۱/۶۶۷	۱/۵	۱/۴	۰/۶۶۷	۰/۵	۰/۴	سیاست‌های مسکن
۰/۰۸۸۲	۰/۰۵۰۰	۰/۰۲۶۱	۰/۱۴۳۹	۰/۲۲۲۲	۰/۳۰۶۱	۱/۶۶۷	۱/۵	۱/۴	۰/۶۶۷	۰/۵	۰/۴	برنامه‌ریزی‌های متمرکز دولتی
۰/۰۶۸۶	۰/۰۳۷۵	۰/۰۱۸۷	۰/۱۰۲۸	۰/۱۶۶۷	۰/۲۳۸۰	۱/۴	۱/۳۳۳	۱/۲۸۶	۰/۴	۰/۳۳۳	۰/۲۸۶	مسئولان شهری و نقش طبقات ذی‌نفوذ

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۹

جدول (۶): محاسبه وزن معیارهای اقتصادی مؤثر بر شکل‌گیری بی‌خانمانی

وزن نهایی $W_j * W_j = \frac{q_j}{\sum q_j}$			وزن باز محاسبه شده $q_j = \frac{X_{j-1}}{K_j}$			ضریب $K_j = S_j + 1$			اهمیت نسبی مقدار متوسط S_j			معیار
۰/۱۸۹۰	۰/۱۳۶۰	۰/۰۹۷۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱				کالایی شدن زمین و مسکن
۰/۱۱۳۴	۰/۰۶۸۰	۰/۰۳۹۱	۰/۴	۰/۵	۰/۵۹۹۹	۲/۵	۲	۱/۶۶۷	۱/۵	۱	۰/۶۶۷	ساختار و ترکیب بازار مسکن
۰/۰۸۱۰	۰/۰۴۵۳	۰/۰۲۳۴	۰/۲۴۰۰	۰/۳۳۳۳	۰/۴۲۸۵	۱/۶۶۷	۱/۵	۱/۴	۰/۶۶۷	۰/۵	۰/۴	کمبود مسکن قابل استطاعت
۰/۰۶۳۰	۰/۰۳۴۰	۰/۰۱۶۷	۰/۱۷۱۴	۰/۲۵۰۱	۰/۳۳۳۳	۱/۴	۱/۳۳۳	۱/۲۸۶	۰/۴	۰/۳۳۳	۰/۲۸۶	اشتغال سرپرست خانوار
۰/۰۵۱۵	۰/۰۲۷۲	۰/۰۱۳۰	۰/۱۳۳۴	۰/۲۰۰۱	۰/۲۷۲۷	۱/۲۸۵	۱/۲۵	۱/۲۲۲	۰/۲۸۵	۰/۲۵	۰/۲۲۲	دلالتان زمین و بسازفروش‌ها
۰/۰۴۳۶	۰/۰۲۲۷	۰/۰۱۰۷	۰/۱۰۹۱	۰/۱۶۶۷	۰/۲۳۰۷	۱/۲۲۲	۱/۲	۱/۱۸۲	۰/۲۲۲	۰/۲	۰/۱۸۲	بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مداخله‌گر

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۹

جدول (۷): محاسبه وزن معیارهای اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری بی‌خانمانی

$W_j * \times W_j = \frac{q_j}{\sum q_j}$ وزن نهایی			$q_j = \frac{x_j - 1}{K_j}$ وزن باز محاسبه شده			ضریب $K_j = S_j + 1$			اهمیت نسبی مقدار متوسط S_j		معیار	
۰/۱۲۸۶	۰/۰۸۰۰	۰/۰۴۷۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱			ساختار جمعیتی	
۰/۰۷۷۱	۰/۰۴۰۰	۰/۰۱۹۰	۰/۴	۰/۵	۰/۵۹۹۹	۲/۵	۲	۱/۶۶۷	۱/۵	۱	۰/۱۶۶۷	مهاجرت
۰/۰۵۵۱	۰/۰۲۶۷	۰/۰۱۱۴	۰/۳۴۰۰	۰/۳۳۳۳	۰/۴۲۸۵	۱/۶۶۷	۱/۵	۱/۴	۰/۶۶۷	۰/۵	۰/۴	مشارکت پایین بی‌خانمانان در فرایندهای تصمیم‌سازی
۰/۰۴۲۸	۰/۰۲۰۰	۰/۰۰۸۱	۰/۰۷۲۶	۰/۱۷۱۴	۰/۲۵۰۱	۰/۳۳۳۲	۱/۴	۱/۳۳۳	۰/۴	۰/۳۳۳	۰/۲۸۶	عدالت اجتماعی

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۹

جدول (۸): ماتریس تصمیم نهایی نرمال موزون عوامل و معیارها

رتبه نهایی	وزن	اجتماعی	اقتصادی	سیاسی	عوامل / معیار
۳	۰/۵۳۷۸	(۰/۰۲۲۰، ۰/۰۳۷۲، ۰/۰۶۱۹)	(۰/۰۲۱۱، ۰/۰۳۶۶، ۰/۰۶۴۹)	(۰/۰۲۹۴، ۰/۰۴۵۵، ۰/۰۶۹۵)	سیاست‌های نوین شهری
۷	۰/۲۵۰۴۱	(۰/۰۱۰۵، ۰/۰۱۸۲، ۰/۰۳۱۳)	(۰/۰۱۱۳، ۰/۰۱۸۹، ۰/۰۳۱۳)	(۰/۰۱۰۱، ۰/۰۱۷۶، ۰/۰۳۱۳)	برنامه‌ریزی‌های متمرکز دولتی
۱	۱	(۰/۰۴۴۵، ۰/۰۶۶۴، ۰/۰۹۹۵)	(۰/۰۶۱۰، ۰/۰۸۳۰، ۰/۱۱۳۴)	(۰/۰۵۹۳، ۰/۰۸۲۱، ۰/۱۱۲۳)	سیاست‌های تخصیص زمین و مسکن
۱۰	۰/۱۹۴۰۷	(۰/۰۰۶۲، ۰/۰۱۲۳، ۰/۰۲۳۶)	(۰/۰۰۷۶، ۰/۰۱۴۱، ۰/۰۲۶۱)	(۰/۰۰۹۰، ۰/۰۱۵۲، ۰/۰۲۵۸)	مسئولان شهری و نقش طبقات ذی‌نفع
۵	۰/۳۵۵۰۲	(۰/۰۱۷۵، ۰/۰۲۷۰، ۰/۰۴۱۲)	(۰/۰۱۹۳، ۰/۰۲۸۷، ۰/۰۴۲۵)	(۰/۰۱۶۴، ۰/۰۲۴۹، ۰/۰۳۸۶)	سیاست‌های مسکن
۶	۰/۳۲۸۲۳	(۰/۰۱۴۳، ۰/۰۲۳۴، ۰/۰۳۸۱)	(۰/۰۱۶۵، ۰/۰۲۶۰، ۰/۰۴۱۱)	(۰/۰۱۵۴، ۰/۰۲۴۱، ۰/۰۳۸۱)	ساختار و ترکیب بازار مسکن
۱۴	۰/۱۲۷۸۹	(۰/۰۰۳۳، ۰/۰۰۷۷، ۰/۰۱۷۱)	(۰/۰۰۴۷، ۰/۰۰۹۳، ۰/۰۱۸۹)	(۰/۰۰۴۰، ۰/۰۰۸۷، ۰/۰۱۸۶)	بانکها و مؤسسات اعتباری مداخله‌گر
۱۲	۰/۱۵۲۵۱	(۰/۰۰۴۸، ۰/۰۱۰۲، ۰/۰۲۱۴)	(۰/۰۰۵۳، ۰/۰۱۱۰، ۰/۰۲۲۹)	(۰/۰۰۴۳، ۰/۰۰۹۴، ۰/۰۲۰۸)	دلالتان زمین و بسازبفروش‌ها
۲	۰/۶۱۱۱۵	(۰/۰۲۳۶، ۰/۰۳۷۷، ۰/۰۵۹۰)	(۰/۰۳۶۴، ۰/۰۵۰۴، ۰/۰۷۰۵)	(۰/۰۳۸۶، ۰/۰۵۲۸، ۰/۰۷۲۰)	کالایی شدن زمین و شیوه تخصیص مسکن
۸	۰/۲۲۱۶۷	(۰/۰۰۸۵، ۰/۰۱۴۴، ۰/۰۲۴۴)	(۰/۰۱۰۸، ۰/۰۱۶۸، ۰/۰۲۵۸)	(۰/۰۱۲۶، ۰/۰۱۸۸، ۰/۰۲۷۹)	کمبود مسکن قابل استطاعت
۱۱	۰/۱۷۰۸۱	(۰/۰۰۷۴، ۰/۰۱۲۳، ۰/۰۲۰۹)	(۰/۰۰۷۴، ۰/۰۱۲۳، ۰/۰۲۰۴)	(۰/۰۰۸۳، ۰/۰۱۳۲، ۰/۰۲۰۹)	اشتغال سرپرست خانوار
۱۳	۰/۱۴۲۲۵	(۰/۰۰۴۸، ۰/۰۰۸۸، ۰/۰۱۶۱)	(۰/۰۰۶۴، ۰/۰۱۰۹، ۰/۰۱۸۲)	(۰/۰۰۶۸، ۰/۰۱۱۳، ۰/۰۱۹۳)	مشارکت پایین بی‌خانمانان در تصمیم‌گیری‌ها
۴	۰/۴۰۱۹۴	(۰/۰۱۴۸، ۰/۰۲۷۸، ۰/۰۵۱۲)	(۰/۰۱۲۷، ۰/۰۲۵۲، ۰/۰۴۹۹)	(۰/۰۱۸۳، ۰/۰۳۲۳، ۰/۰۵۷۸)	ساختار و ترکیب جمعیتی
۹	۰/۲۰۴۸۷	(۰/۰۰۹۸، ۰/۰۱۵۹، ۰/۰۲۵۶)	(۰/۰۰۶۷، ۰/۰۱۲۵، ۰/۰۲۳۴)	(۰/۰۱۰۹، ۰/۰۱۷۰، ۰/۰۲۷۰)	مهاجرت
۱۵	۰/۱۰۹۶۵	(۰/۰۰۴۶، ۰/۰۰۸۱، ۰/۰۱۴۳)	(۰/۰۰۳۰، ۰/۰۰۶۲، ۰/۰۱۲۴)	(۰/۰۰۵۷، ۰/۰۰۹۴، ۰/۰۱۵۵)	عدالت اجتماعی
		(۰/۱۹۶۶، ۰/۳۲۷۴، ۰/۵۴۵۶)	(۰/۲۳۱۰، ۰/۳۶۱۸، ۰/۵۸۰۸)	(۰/۲۴۹۰، ۰/۳۸۲۴، ۰/۵۹۵۳)	S_i
		۰/۳۵۶۵	۰/۳۹۰۹	۰/۴۰۸۹	S_i
		۰/۸۷۱۸	۰/۹۵۵۹	۱	$K_i = S_i / S_0$
		۳	۲	۱	رتبه نهایی

منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۹

طبق جدول (شماره ۸) عوامل سیاسی مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری بی‌خانمانی می‌باشند و عوامل اقتصادی نیز با اختلاف کمی به‌عنوان دومین عامل مؤثر شناسایی شده‌اند. همچنین سیاست‌های تخصیص زمین و مسکن، کالایی شدن زمین و شیوه تخصیص مسکن و سیاست‌های نوین شهری نیز از مهم‌ترین معیارهای مؤثر در شکل‌گیری بی‌خانمانی در مجموعه شهری تهران می‌باشند.

نتیجه‌گیری

رشد سریع و گسترده در مجموعه شهری تهران، فشار روزافزون تقاضا برای زمین و مسکن و محدودیت‌های مالی قانونی، مانع از جذب اقبال کم‌درآمد در بازار رسمی زمین و مسکن شده و سبب روی آوردن آن‌ها به پیرامون مجموعه شهری تهران و تشکیل سکونتگاه‌هایی با الگوهای جدیدی از سکونت شده که می‌تواند تحت عنوان بی‌خانمانی نسبی نامیده می‌شود. همان‌گونه که ذکر گردید، بی‌خانمانی نسبی تحت تأثیر عوامل متعدد ساختاری شکل می‌گیرد. رویکردهای ارائه‌شده در باب عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بی‌خانمانی نیز عمدتاً بر مسکن، بازار کار، سیاست‌های مسکن به‌عنوان عوامل ساختاری تأکید نموده‌اند و دسته‌بندی و اطلاعات بیشتری از این عوامل ارائه نداده‌اند. از این‌رو ارائه یک الگوی نظری مبتنی بر حق به شهر به‌منظور شناسایی و تقسیم‌بندی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بی‌خانمانی هدف این پژوهش را تشکیل می‌دهد که در این راستا این عوامل به سه دسته عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم‌بندی شده و هر یک نیز از معیارهای مستقلی تشکیل شده‌اند. در عوامل سیاسی به نقش سیاست‌های تخصیص زمین و مسکن، سیاست‌های نوین شهری، برنامه‌ریزی‌های متمرکز دولتی، سیاست‌های مسکن و مسئولان شهری و طبقات ذی‌نفوذ شهری پرداخته شده است. با استفاده از نقش کالایی شدن زمین و مسکن، ساختار و ترکیب بازار مسکن، مسکن قابل استطاعت، اشتغال، دلالت و بسازبفروش‌ها و بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری عوامل اقتصادی تبیین گردید. همچنین در عوامل اجتماعی نیز به نقش مهاجرت، ساختار و ترکیب جمعیتی، مشارکت بی‌خانمان‌ها در فرآیندهای تصمیم‌سازی و عدالت اجتماعی اشاره گردید. نبود نگاه سیستماتیک در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن شهری (که ماهیتی بخشی و نه جامع‌نگر و یکپارچه‌شده دارند) و نادیده گرفتن بی‌خانمان‌ها در برنامه‌ریزی‌های شهری سبب گردیده که عوامل سیاسی مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری و گسترش بیشتر این گروه‌ها در کلان‌شهر تهران داشته باشند. سازوکار بازار آزاد و سرمایه‌داری منجر به مداخله بیشتر بورس‌بازان و سوداگران زمین، دلالت و بسازبفروش‌ها و بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در

کالایی شدن زمین و شیوه تخصیص مسکن شده و باعث محرومیت بیشتر بی‌خانمان‌ها از نیازهای سکونتی و مسکن گردیده است. بنابراین با توجه به تأثیرگذاری متفاوت این عوامل و معیارها بر روند بی‌خانمانی در سکونتگاه‌های شهری، تبیین الگوی سیاست‌گذاری بسته به وضعیت هر جامعه و تفاوت عوامل و معیارها بایستی طراحی و تبیین گردد و عدم توجه به نقش کارساز این عوامل و در ذیل آن معیارها، بر خواسته از عامل ضروری بوده و بدون توجه به نقش بومی این عوامل هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را با شکست و یا عدم موفقیت روبه‌رو می‌سازد.

۶- پیشنهادها

با توجه به کمبود منابع مطالعاتی در حوزه ادبیات بی‌خانمانی، ارائه تعاریف درست از مفاهیمی چون گروه‌های کم‌درآمد، بی‌خانمان، بدمسکن و بی‌مسکن در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها برای تعیین اولویت‌ها؛ از آنجایی که عوامل سیاسی مهمترین عامل مؤثر در شکل‌گیری بی‌خانمانی می‌باشند، موارد زیر به‌عنوان پیشنهاد ارائه می‌گردد:

- وجود چشم‌انداز مشخص در سیاست‌گذاری مسکن بی‌خانمان‌ها؛
- وجود سیاست‌های ساخت مسکن قابل استطاعت؛
- استطاعت مالی خانوارهای کم‌درآمد جهت پرداخت اقساط بانکی؛
- نظارت بر سیاست‌های تصرف و تخصیص زمین شامل (تسهیلات ساخت و خرید مسکن ملکی، پرداخت تسهیلات به سازندگان مسکن اجتماعی، ساخت مسکن استیجاری، پرداخت کمک اجاره و وام قرض‌الحسنه ودیعه مسکن، سیاست‌های واگذاری زمین، تأمین زمین و آماده‌سازی) جهت جلوگیری از کالایی شدن شیوه تخصیص زمین و مسکن؛
- تأمین امنیت سکونت گروه‌های بی‌خانمان در فرآیند سیاست‌های نوین شهری؛
- حضور بی‌خانمان‌ها و یا نمایندگان آن‌ها در فرآیندهای تهیه، تصویب و اجرای طرح‌های شهری؛
- تولید مسکن به اندازه مورد نیاز و حذف فعالیت‌های واسطه‌گری و سوداگری در بازار مسکن گروه‌های بی‌خانمان؛

منابع و مآخذ:

۱. برادران، م، غفاری، غ، زاهدی، م.ج، ربیعی، ع. ۱۳۹۶. حاشیه‌نشینی: تحلیل جامعه‌شناختی مسائل اجتماعی سیاست‌های مسکن پدیده غیررسمیت (بررسی نمونه‌ی میان‌آباد، اسلامشهر، تهران). بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱(۸): ۲۰۹-۲۳۱.
۲. داداش پور، ه، میروکیل، ح. ۱۳۹۵. بررسی و تحلیل شبکه شهری منطقه کلان‌شهری تهران با استفاده از سه دیدگاه مبتنی بر گره، تراکم و قابلیت دسترسی. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۲۸: ۴۸-۷۰.
۳. رحیمی، ا. ۱۳۹۹. سیاست‌های زمین شهری و تأثیر آن بر توسعه شهر تبریز، آمایش محیط، ۱۳(۴۸): ۱۱۰-۱۲۹.
۴. سرور، ر، پور طاهری، م، ۱۳۹۵. جهانی‌شدن اقتصاد و الگوی مکان‌گزینی کاربری‌های خدمات پیشرفته در کلان‌شهرها (مطالعه موردی کلان‌شهر تهران). برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۰(۳): ۱۵۵-۱۷۸.
۵. شارع پور، م، رفعت‌جاه، م، رهبری، ل. ۱۳۹۴. جایگاه شهروندان تهرانی در نردبان آرستاین: بررسی جنسیتی بعد مشارکتی حق به شهر. نشریه رفاه اجتماعی، ۵۷(۱۵): ۱۷۷-۲۰۳.
۶. کافوی، اتو. ۱۳۹۱. حق به شهر چگونه حقی است؟. ترجمه امیر شفیعی و حمیدرضا خدابخش، نشریه اینترنتی برنامه‌ریزی و طراحی شهری آبانامه، شماره ۶.
۷. لاله‌پور، م. ۱۳۹۸. تحلیلی بر سیاست‌ها و قوانین زمین شهری با تأکید بر رویکرد مقابله با سوداگری در بازار زمین شهری؛ مورد پژوهی: کلان‌شهر تهران، آمایش محیط، ۱۲(۴۷): ۱۸۳-۲۰۶.
۸. مشکینی، ا، نورمحمدی، م، رکن‌الدین افتخاری، ع.ر، صرافی، م. ۱۳۹۴. الگوی سیاست‌گذاری مداخله دولت در مدیریت زمین شهری ایران (مطالعه موردی: شهر تهران). برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۹(۱): ۱۸۱-۲۱۰.
۹. مشکینی، ا، رحیمی، ح. ۱۳۹۰. جدایی‌گزینی فضایی در مادر شهرها: تحلیلی بر جغرافیای اجتماعی مادر شهر تهران. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۴(۱۵): ۸۷-۱۰۷.
۱۰. مطالعات مجموعه شهری تهران، دبیرخانه ستاد ملی بازآفرینی شهری، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، وزارت راه و شهرسازی، ایران، ۱۳۹۵.

۱۱. موحد، ع، کرملای چعب، ح، محمدی، ع. ۱۳۹۳. تاثیر جنگ تحمیلی بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین مطالعه موردی: منطقه ملاشیه اهواز، آمایش محیط، ۷(۲۴): ۲۶-۱.
12. Angel, S. 2000. *Housing Policy Matters: A Global Analysis*. Oxford University Press, USA.
13. Appelbaum, R., Dolny, M., Dreier, P., & Gilderbloom, J. 1991. Scapegoating rent control: Masking the causes of homelessness. *Journal of the American Planning Association*, 57: 153–164
14. Brenner, N. 2016. Open City or the Right to the City? In “Critique of Urbanization: Selected Essays”. Birkhäuser Verlag GmbH, Basel.
15. Blomley, N., 2014. Homelessness, Rights, and the Delusions of Property. *Urban Geography*, 30:6: 577-590, DOI: 10.2747/0272-3638.30.6.577
16. Bohanon, C. 1991. The economic correlates of homelessness in sixty cities. *Social Science Quarterly*, 72: 817–825.
17. Buchanan J. 2004. Tackling problem drug use: A new conceptual framework. *Social Work in Mental Health* 2(3): 117–138
18. Burt, M., Aron, L., Lee, E., & Valente, J. 2001. *Helping America’s homeless: Emergency shelter or affordable housing?* Washington, DC. Urban Institute Press.
19. Burt, M.R. 1992. *Over the Edge: The Growth of Homelessness in the 1980s* (New York, New York: Russell Sage Foundation).
20. Busch-Geertsema, V., D. Culhane, and S. Fitzpatrick. 2016. Developing a Global Framework for Conceptualising and Measuring Homelessness. *Habitat International*, 55: 124–132. doi:10.1016/j.habitatint.2016.03.004.
21. Byrne, Th, Munley, E A. Fargo, J, D. Montgomery , A, E. & Culhane, D, P. 2013. New Perspectives on Community-Level Determinants of Homelessness. *Journal of Urban Affairs*, 35:5: 607-625, DOI: 10.1111/j.1467-9906.2012.00643.x.
22. Chamberlain, Ch. Mackenzie, D. 1992. Understanding Contemporary Homelessness: Issues of Definition and Meaning. *Australian Journal of Social Issues*, 27(4): 274-297. <https://doi.org/10.1002/j.1839-4655.1992.tb00911.x>.

23. Dinning, B.L. and Davics, C. 2008. Community Action Plan on Homelessness: 2009-2014.
24. Early, D. W., & Olsen, E. O. 2002. Subsidized housing, emergency shelters, and homelessness: An empirical investigation using data from the 1990 Census. *Advances in Economic Analysis and Policy*, 2(1), 2: 2-34.
25. Fainstein, S, .2006. City and Diversity: Should We Want It? Can We Plan For It?. *Urban Affairs Review*, 41(1): 3-19, 10.1177/1078087405278968.
26. Fainstein, S. 2010, *The Just City*, New York: Cornel university.
27. Fitzpatrick, S. 2012, Homelessness: Causation. *International Encyclopedia of Housing and Home*. Smith, S. (ed.). 1st ed. Elsevier: 1590- 1599.
28. Fitzpatrick, S. 2006, Explaining Homelessness: a Critical Realist Perspective. *Theory and Society*, No. 22:1: 1-17, DOI: 10.1080/14036090510034563.
29. Fremstad, S. 2004. Recent welfare reform research findings: Implications for TANF reauthorization and state TANF policies. Washington, DC: Center on Budget and Policy Priorities.
30. Geertsema, V, B, Culhane, D, Fitzpatrick, S 2016. Developing a global framework for conceptualising and measuring homelessness, *Habitat International*, 55: 124-132. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2016.03.004>.
31. Grimes, P. W., & Chressanthis, G. A. 1997. Assessing the effect of rent control on homelessness, *Journal of Urban Economics*, 41(1): 23-37.
32. Harvey, D. 2008. The right to the city, *New Left Review*, 53: 23-40.
33. HUD. 2011. *A Guide to Counting Unsheltered Homeless People*, In HUD's Homeless Assistance Programs. Washington, USA: Department of Housing and Urban Development, Office of Community Planning and Development.
34. Kersulienė, V., Zavadskas, E. K., & Turskis, Z. 2010. Selection of Rational Dispute Resolution Method by Applying New Step-Wise Weight Assessment Ratio Analysis (SWARA). *Journal of Business Economics and Management*, 11(2): 243- 258. <http://dx.doi.org/10.3846/jbem.2010.12>.

35. Kersuliene, V., & Turskis, Z. 2011. Integrated Fuzzy Multiple Criteria Decision Making Model for Architect Selection, Technological and Economic Development of Economy, 17(4): 645-666. <http://dx.doi.org/10.3846/20294913>.
36. Kiani Mavi, R. Goh, M. Zarbakhshnia, N. 2017. Sustainable third-party reverse logistic provider selection with fuzzy SWARA and fuzzy MOORA in plastic industry, The International Journal of Advanced Manufacturing Technology, 91, (5–8): 2401-2418.
37. Lee, B.A., Price-Spratlen, T. & Kanan, J.W. 2003. Determinants of homelessness in metropolitan areas, Journal of Urban Affairs, 25(3): 335–355.
38. MacKenzie, D., 2012. Homelessness: definitions, International Encyclopedia of Housing and Home, Smith, S. (ed.). 1st ed. Elsevier: 25-35.
39. Marcuse.P. 2010. Rights in Cities and the Right to the City? in Sugranyes.A & Mathivet.CH, Cities for All: Proposals and Experiences towards the Right to the City book. Habitat International Coalition, HIC.
40. Manuel B. Aalbers & Kenneth Gibb 2014. Housing and the right to the city: introduction to the special issue, International Journal of Housing Policy, 14(3): 207-213, DOI: 10.1080/14616718.2014.936179.
41. Mitchell. D. 2003. Right to the city: Social Justice and the Fight for Public Space, the Gulford Press.
42. O'Donnell, J., 2019. Does social housing reduce homelessness? A multistate analysis of housing and homelessness pathways, Housing Studies, DOI: 10.1080/02673037.2018.1549318.
43. O'Flaherty, B. 2004. Wrong person and wrong place: For homelessness, the conjunction is what matters, Journal of Housing Economics, 13(1): 1–15.
44. O'Flaherty, B. 2009. What shocks precipitate homelessness? (Discussion paper No. 0809–14).
45. O'Flaherty, B. 2019. Homelessness Research: A Guide for Economists (and Friends). Journal of Housing Economics, doi: <https://doi.org/10.1016/j.jhe.2019.01.003>.

46. Petrenchik, T. 2006. Homelessness: Perspectives, Misconceptions, and Considerations for Occupational Therapy, *Occupational Therapy In Health Care*, 20(3-4), Pp. 9-30 https://doi.org/10.1080/J003v20n03_02.
47. Purcell, M. 2002. Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant, *GeoJournal* , 58, Pp. 99–108.
48. Quigley, J. M. 1990. Does rent control cause homelessness? Taking the claim seriously, *Journal of Policy Analysis and Management*, 9(1): 89–93.
49. Quigley, J. M., & Raphael, S. 2002 The economics of homelessness: The evidence from North America, *European Journal of Housing Policy*, 1: 323–336.
50. Raphael, S. 2010. Housing market regulation and homelessness. In I. G. Ellen, & B. O’Flaherty (Eds.), *How to house the homeless* (Pp. 110–140). New York: Russell Sage Foundation.
51. Ravenhill, Megan. 2008. *The culture of homelessness*, Ashgate Publishing, Hampshire, UK. ISBN 9780754671909.
52. Reckford, J., Blake, E., Katz, J., Lipman, Colopinto, K, Zanelli, M.L, 2012. *Global housing indicators: Evidence for action*, Habitat for Humanity.
53. R. Ford.D 2013. Toward a theory of the educational encounter: Gert Biesta’s educational theory and the right to the city, *Critical Studies in Education*, 54(3): 299-310.
54. Springer, s. 2000. Homelessness: a proposal for a global definition and classification, *Habitat International*, 24, Pp.475–84.
55. Tighe, R., Mueller J, E., 2013 *The Affordable Housing Reader*, Publisher: Routledge ISBN: 0415669383.
56. Tipple, G, Speak, S, 2006 Who is homeless in developing countries? Differentiating between inadequately housed and homeless people, *International Development Planning*, 28 (1): 57-84.
57. Troutman, W. H., Jackson, J. D., & Ekelund, R. B. 1999. Public policy, perverse incentives, and the homeless problem, *Public Choice*, 98: 195–212.
58. Tucker, W. 1987. Where do the homeless come from? *National Review*, 25: 32–43.
59. Tucker, W. 1989. *America’s homeless: Victims of rent control*. Washington, DC: The Heritage Foundation.

60. Vogiazides. L. 2012. Legal Empowerment of the Poor Versus Right to the City, Nordiska Afrikainstitutet
61. Zarbakhshnia,N., Soleimani., H Ghaderi,H. 2018. Sustainable Third-Party Reverse Logistics Provider Evaluation and Selection Using Fuzzy SWARA and Developed Fuzzy COPRAS in the Presence of Risk Criteria, Applied Soft Computing Journal
<https://doi.org/10.1016/j.asoc.2018.01.023>.

